

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

سام تجربه ملی ایران

نشریه داخلی تهران بیستم آبان ماه ۱۳۸۶ خورشیدی شماره ۱۶۳

بنام خداوند جان و خرد

نگرشی گذرا بر فرآیند دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای مازندران و اعلامیه اصول بیست و پنج ماده ای آن

عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بطوریکه جنبه نظام های حقوقی متفاوتی را مدعی شدند. جمهوری آذربایجان با توجه به رویه مسلط در رابطه با دریاچه های بین المللی خواهان تقسیم کامل دریای مازندران بر مبنای طول سواحل گردید و در همین راستا اقدام به انعقاد قراردادهای نفتی با شرکتها و کنسرسیوم های خارجی در منطقه بستر و زیر بستر دریای مجاور خود نمود که با اعتراض رسمی دولت روسیه روبرو گردید. دولت قزاقستان نیز به استناد اینکه دریای مازندران از طریق کانالهای تعبیه شده در رودخانه های ولگا و دون به دریای سیاه و بالتیک مرتبط شده است و خصوصیت دریای آزاد را احراز کرده است، لذا نظام حقوقی ۱۹۸۲ دریای آزاد باید به دریای مازندران تسری داده شود و تحدید حدود دریایی بین دول ساحلی صورت گیرد و بهمین جهت آزادی عمل خود را برای انعقاد قراردادهای نفتی در بستر دریای مجاور خود محفوظ داشت. دولت ترکمنستان پس از چندین تاخیر خواهان برقراری نظام مشاع محدود Limited Condominium شد. یعنی تا ۴۰ الی ۴۵ میل بعنوان منطقه انحصاری ملی در نظر گرفته شود و ماورای آن بعنوان منطقه مشاع پیش بینی گردد و یک نهاد منطقه ای بر فعالیتهای توافق شده از سوی دول ساحلی نظارت و کنترل داشته باشد. پیرماکف وزیر خارجه وقت روسیه نیز طرحی غیر رسمی در همین زمینه مطرح نمود. ولی دولت روسیه از ابتدا نوعی رویه ادامه در صفحه ۳ و ۴

دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای مازندران در تهران برای برون رفت از این بست ۱۷ ساله و صلور اولین اعلامیه سیاسی موجب ارزیابیهای گوناگون از سوی محافل مختلف گردیده است. در این باره قبل از بررسی پیامدهای اصول بیست و پنج گانه مندرج در اعلامیه مزبور باید دید چه عواملی سبب به وجود آمدن بن بست در تعریف رژیم حقوقی مورد توافق همگان گردیده و اجلاس سران در جهت حل این معضل حقوقی چه تصمیماتی اتخاذ نموده است؟ بخصوص با توجه به اینکه در مورد دریاچه های بین المللی نظام حقوقی واحدی وجود ندارد و در خصوص دریای مازندران نوع خاصی از نظام حقوقی مشاع در عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ پیش بینی شده است. این امر موجب گردیده که کشورهای تازه استقلال یافته بر داشتهها و تفاسیر نادرستی از عهدنامه های مزبور بنفع خود بنمایند. از لحاظ اصول پذیرفته شده حقوق بین الملل مندرج در کنوانسیون "جانشین دولتها" کشورهای مزبور ملزم به پذیرش تعهدات کشور مادر قبلی به ویژه درباره قراردادهای ارضی و مرزی از جمله آبهای مشترک، که خارج از تسری اصول "تغییر بنیادین اوضاع و احوال" و "ولادت مطهر" است، می باشند. بهمین جهت سه کشور ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان در کنفرانس آلمانی پای بندی خود را به تعهدات شوروی سابق اعلام داشتند. ولی پس از چندین دولتهای آذربایجان و قزاقستان خط مشی های متفاوتی را در پیش گرفتند و با نادیده انگاشتن مفاد

فهرست مطالب

نگرشی گذرا بر فرآیند دومین اجلاس سران
کشورهای ساحلی دریای مازندران و اعلامیه
اصول بیست و پنج ماده ای آن

۱

جنگ سوم جهانی

بازار ایران در تسخیر کالاهای چین
گرامیداشت سالروز شهادت دکتر فاطمی در

۱

۳

۴

تهران

رئیس جمهوری آمریکا در یکی از آخرین سخنانی که راجع به ایران و مسئله انرژی هسته ای این کشور بیان کرد آشکارا و به صراحت اظهار نمود که در صورتیکه جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دست یابد جنگ جهانی سوم اجتناب ناپذیر خواهد بود.

با در نظر داشتن اینکه در زرادخانه های اتمی کشورهای دارای سلاح اتمی یعنی کشورهای آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه، اسرائیل، هند و پاکستان حداقل بیست و پنج هزار بمب اتمی بسیار وحشتناک تر از بمب های بکار رفته در هیروشیما و ناکازاکی با وسایل شلیک بسیار مدرن و پیشرفته آماده پرتاب به سوی اهداف تعیین شده و انفجار است ابعاد فاجعه بروز یک جنگ جهانی غیر قابل تصور و این اشاره و اظهار از طرف رئیس جمهور ایالات متحده بسیار تامل ادامه در صفحه ۳

جنگ سوم جهانی

اول آذر سالروز شهادت داریوش و پروانه فروهر شهدای راه آزادی گرامی باد

دوگانه ای را در پیش گرفت، یعنی ضمن آنکه تاکید خاص به نظام مشاع داشت ولی در عین حال شرکتهای روسی لوک اوایل و گاسپروم در کنسرسیوم های بین المللی مشارکت داشتند. پی گیری همین رویه دوگانه سبب گردید که روسیه به یکباره در سال ۱۹۹۸ اقدام به انعقاد قراردادی با دولت قزاقستان درباره تقسیم بستر مناطق شمالی بر اساس طول سواحل و خط منصف تغییر داده شده نمود. سپس قرارداد مشابهی با دولت جمهوری آذربایجان ناظر به تقسیم بستر و استفاده مشترک از آبهای فوقانی و امور مربوط به آن منعقد کرد.

نکته در خور توجه اینکه در عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به هیچ وجه طول سواحل مبنای نظام حقوقی پیش بینی نشده بود. زیرا در غیر اینصورت نظام مشاع تحقق پیدا نمی کرد و دریای مازندران از همان ابتدا دریای تقسیم شده تلقی می شد. روسها با این اقدام هم شرکتهای و کنسرسیوم های خارجی را راضی نمودند، زیرا شرکتهای مورد بحث خواهان آن بودند که حوزه های امتیاز آنها عاری از هرگونه چالش باشد. بهمین جهت آنها از همان ابتدا از مواضع آذربایجان و قزاقستان ناظر به تقسیم دریای مازندران حمایت می کردند. دوم آنکه روسها با این عمل تا حدود زیاد نظرات و خواستههای کشورهای تازه استقلال یافته را تامین کردند و فراتر از همه خواستههای سنتی خود را درباره آزادی کشتیرانی و شیلات محفوظ داشتند.

دولت جمهوری اسلامی که به یکباره در قبال عمل انجام شده قرار گرفته بود ضمن اولویت قائل شدن برای نظام مشاع، پیشنهاد تقسیم برابر دریای مازندران بر اساس ۲۰ درصد برای هر یک از کشورهای ساحلی را نمود که با استقبال سایر دول ساحلی روبرو گردید. پس از آن دولت ایران که بموجب عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ دارای حقوق برابر و مشترک در دریای مازندران بوده است و پس از فروپاشی شوروی از مجموع قراردادهای مورد بحث نوعی سهم ۵۰ درصد مستفاد می شد، اینک در نتیجه اقدامات دوجانبه دیگر کشورهای ساحلی حقوق حقه خود را دچار تضییع فاحش می دید. لذا بر آن شد برای حفظ حداقل حقوق تاریخی خود اجازه ندهد دیگران در محدوده ۲۰ درصد آبهای مجاور فعالیت اقتصادی در رابطه با منافع بستر و زیر بستر آن داشته باشند و بهمین جهت مانع فعالیت بریتیش پترلیوم در حوزه البرز گردید و از این تاریخ مذاکراتی را با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در پیش گرفته است.

پی شک تقسیم بستر دریا مغایر با اصول مندرج در عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ از جمله معضل عمده و مانع دسترسی به نظام حقوقی جدید مورد توافق همگان شده است. نکته دیگر مربوط به مسئله شیلات است.

طرح پیشنهادی روسها در این مورد نیز به ترتیبی است که بیشترین سهم را برای آنها در نظر می گیرد. بدین ترتیب که روسها منطقه ی دریای مجاور را به عنوان منطقه ویژه خود اعلام داشته و نظام سهم بندی را برای ماورای آن بر اساس سابقه صید در پهنه دریا یا در محدوده ساحلی، تکنولوژی مورد استفاده، نسبت میزان تکثیر ماهی و غیره پیش بینی نموده اند و بر این اساس روسیه بیشترین سهم را بخود اختصاص می دهد. با توجه به آنکه گذشته از مسئله شیلات در مورد نظام کنونی دریای خزر و محیط زیست دریایی نیز از لحاظ حقوقی و عملی نیز توافق هایی صورت گرفته است و به دیگر سخن درباره صور مختلف دریا توافق هایی انجام گردیده است، لذا بسیاری بر آنند روسها با ادامه وضع موجود یعنی تقسیم Defacto دریای مازندران، برقراری رژیم حقوقی Dejure مورد نظر را به بوته فراموشی بسپارند. بهمین جهت در دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای مازندران در تهران نیز بررسی مسئله حقوقی را نادیده انگاشته، صرفاً به بحث پیرامون مسائل سیاسی و صدور اعلامیه بیست و پنج ماده ای زیر بسنده نمودند که در خور ارزیابی ذیل می باشد.

ارزیابی تصمیمات گرفته شده در دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای مازندران در تهران

بطور کلی بعد از ناکامی اولین اجلاس کشورهای ساحلی دریای مازندران در آوریل ۲۰۰۲ ترکمنستان، انتظار عمومی از دومین اجلاس سران در تهران برای برون رفت از بن بست ۱۷ ساله حقوقی نیز به دلایل زیر با نافر جامی روبرو گردید:

۱- در نشست تهران بحث و بررسی جدی درباره مسائل حقوقی به ویژه در خصوص تقسیم بستر دریا که از اهم مسائل است تصمیمی گرفته نشد. بعلاوه ضرب الاجلی برای تحقق هدفهای مندرج در اعلامیه ۲۵ ماده ای پیش بینی نشده است. بیش از آنکه مسائل حقوقی مسطح نظر باشد، عمدتاً مسائل سیاسی آنهم مورد نظر روسیه مبنای بررسی و توصیه قرار گرفته است.

۲- با اینکه قدرتهای خارجی به ویژه شرکتهای اروپایی و آمریکایی از لحاظ سرمایه گذاری در منابع نفت و گاز منطقه دریای مازندران و انتقال آن به بازار های جهان حضور گسترده و موثر دارند و بعلاوه آمریکائیاها بمنظور مبارزه علیه تروریسم بین المللی

نیز در برخی از کشورهای منطقه پایگاههایی دارند، معذالک در اعلامیه مورد بحث کوشش شده است محدودیت هایی برای حضور سیاسی - نظامی قدرتهای مزبور در نظر گرفته شود. البته این موانع و محدودیت ها ناظر به پایگاههای موجود در برخی از کشورهای منطقه نیست، بلکه معطوف به دادن پایگاه در آینده است. شگفت آنکه در همین زمان روسیه مکرراً از آمریکا خواسته است که پایگاههای سپر دفاع موشکی خود را که ظاهراً برای کنترل فعالیتهای موشکی ایران از اروپای شرقی است به پایگاه قبله در جمهوری آذربایجان منتقل نماید.

۳- برخی از اصول مندرج در اعلامیه در واقع تکرار اصول منشور ملل متحد به ویژه مفاد بندهای ۳ و ۴ ماده ۲ منشور است؛ مانند تعهد به اینکه در صورت بروز اختلاف دولتهای ساحلی باید بر آن شوند مشکلات پیش آمده را بطور مسالمت آمیز حل و فصل نمایند و یا از هر گونه تهدید و توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یکدیگر خودداری نمایند و یا اینکه اجازه ندهند سرزمین آنها بعنوان پایگاهی برای تجاوز به دیگر کشورهای ساحلی مورد استفاده قرار گیرد. این ماده تداعی کننده مفاد ماده ۵ مندرج در عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی است. در واقع روسیه بر آن است بنحوی کشورهای تازه استقلال یافته را در سایه شمشیر داموکلس امنیتی خود قرار دهد و در عین حال شرایط را برای حضور سیاسی - امنیتی رقبا محدود سازد.

۴- بعضی از اصول اعلامیه باز تعریف تصمیمات گرفته شده قبلی است. مانند توسعه برنامه شاهراه ارتباطی شمال به جنوب که هفت سال قبل احداث آن بین هند، ایران و روسیه پیش بینی شده بود. بی شک مرتبط ساختن خطوط راه آهن ایران به ترکمنستان، قزاقستان و روسیه تا حدودی تامین کننده این مقصود است. در مورد احداث کانال آبی بین دریای مازندران و دریای سیاه، باید توجه شود که قبلاً دریای مازندران از طریق تعبیه کانال هایی در رودخانه های ولگا و دون به دریای سیاه و بالتیک مرتبط شده است. دولت های قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان مدعی هستند با توجه به آنکه کانال های مزبور در زمان شوروی سابق به خرج و هزینه تمامی جمهوریهای وقت از جمله سه جمهوری ساحلی دریای مازندران ساخته شده بود، لذا آنها باید از طریق کانالهای مزبور آزادی دسترسی به دریای آزاد را داشته باشند. ولی دولت روسیه مدعی است که کانالهای مزبور آبراه داخلی است، نه بین المللی و به همین جهت پذیرای تقاضاهای آنها نشده است. اینک دولت روسیه بر آن است با پیشنهاد احداث کانال دیگری به هزینه کشورهای ساحلی دریای مازندران دسترسی آنها را

بازار ایران در تسخیر کالاهای چین

با نگاهی گذرا به بازارهای ایران و سیری در فروشگاهها و مغازه های گوناگون به سرعت درمیابیم که انواع و اقسام کالاهای چینی که غالباً هم‌عاری از کیفیت مطلوب بوده و به گفته اکثر مردم اجناسی یکبار مصرف می باشند بازار کشور را در اشغال خود گرفته اند. از انواع پوشاک و کفش گرفته تا میز و صندلی و مبیل. از وسایل و ابزار کار گرفته تا ظروف و تابلو و قاب عکس. از انواع فرش و کارهای دستی و لوستر گرفته تا وسایل الکترونیک و لوازم صوتی تصویری و در یک جمله همه و همه چیز چینی بازارهای ایران را تسخیر کرده است.

این واردات گسترده از چین به چه منظور صورت می گیرد و چه نتایجی به بار می آورد و پی آمدهای آن چیست؟ در بررسی علت باز شدن دروازه های کشور به روی کالاهای چینی به دو علت اصلی می توان دست یافت:

۱- سودجویی برخی افراد غالباً وابسته به حاکمیت که تولید و منافع ملی را پیش پای منافع شخصی خود ذبح می کنند و با وارد کردن گسترده کالا از چین سود سرشاری را به جیب میزنند و در کنار این سودجویی خود سالیانه میلیاردها دلار را از کیسه ملت ایران به شریان های اقتصاد چین تزریق می کنند.

۲- مقاصد سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی بمنظور دست و پا کردن یک همراه یا یک حامی دیپلوماتیک در عرصه بین المللی و سازمان ملل متحد و یا در حقیقت این نوعی باج دهی به چین برای کسب حمایت است که البته تاکنون اثری از پشتیبانی جدی این کشور از دولت جمهوری اسلامی دیده نشده است.

باید دانست که در آینده با ورود ایران به سازمان تجارت جهانی خود بخود مرزهای تجاری ایران باز خواهد شد و موازین این سازمان جهانی تحقق خواهد یافت ولی این شرایطی است که ایران هنوز فاصله ای چندین ساله با آن دارد و در اوضاع فعلی کالاهای چین در ابعاد گوناگون زیان بار و آسیب زنده به منافع ملت ایران است. این واردات وسیع از چین هزاران کارخانه و کارگاههای کوچک و بزرگ کشور حتی تولید کنندگان کارهای هنری و صنایع دستی را به ورشکستگی و توقف کشانده و صدها هزار فرصت کار را برای هموطنان ما که از بیکاری روز افزون در رنج و عذابند از بین برده و میلیاردها دلار از ثروت مردم ما را به باد می دهد. در حال حاضر جلوگیری از ورود کالاهایی که مشابه آنها در داخل کشور تولید می شود اولین اقدام حاکمیت ملی در جهت حمایت از تولید کنندگان داخلی و ایجاد فرصت های شغلی برای انبوه جوانان مستعد و لایق این سرزمین است. با این اقدام همچنین از هدر رفتن میلیاردها دلار درآمد های حاصل از فروش نفت هم که فقط باید در صنایع تولیدی و در جهت رفاه نسل های آینده سرمایه گذاری شود و پیشگیری می شود.

مشارکت داشته است و اینک بر آن است سازمان کشورهای تولید و صادرکننده گاز مرکب از روسیه، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان را تشکیل دهد، که بی تردید در بازار مورد بحث نقش محوری خواهد داشت. البته این رویداد برای کشورهای تازه استقلال یافته که از احیای سلطه و نفوذ روسیه نگرانند و برآند از طریق پیوندهای اقتصادی با دیگر قدرتهای جهان، استقلال و آزادی عمل خود را حفظ نمایند ایجاد چنین بازاری با حضور محوری برادر بزرگتر شاید برای آنها از جهتی چندان خوش آیند نباشد.

خلاصه آنکه اعلامیه اصول که عمدتاً سندی است سیاسی تا حقوقی بیش از هر چیز و هر کس بنفع روسیه و ناظر به تقویت و تحکیم نفوذ این کشور در امور اقتصادی کشورهای ساحلی دریای مازندران است، که بی تردید اثرات خاص خود را در سایر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در پی خواهد داشت. به دیگر سخن حضور و نفوذ روسیه رادر منطقه خزر افزایش خواهد داد و زمینه را برای احیای سلطه سیاسی آن فراهم خواهد ساخت و موضع روسیه رادر قبال قدرتهای رقیب تقویت خواهد کرد و بالاخره جایگاه و نقش روسیه را در روابط بین الملل ارتقاء خواهد داد.

از سوی دیگر چنانکه می دانیم مبانی حقوقی و تاریخی ایران در رابطه با دریای مازندران عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است، حال آنکه در اجلاس سران برخی از روسای دول شرکت کننده اعلام داشتند عهدنامه های مزبور به تاریخ سپرده شده است و فاقد حیض انتفاع است، دروغا که سکوت ایران در قبال چنین اظهار نظرانی در آینده بعنوان رضایت ایران تلقی خواهد شد و بیش از پیش مبانی حقوقی ایران مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

نکته آخر آنکه سفر پوتین به ایران نه تنها به حل مسئله وقت ایران کمک نخواهد کرد بلکه موجب پیچیدگی بیشتر آن خواهد شد و دول غربی را بر آن خواهد داشت که اقدامات شدیدتری چه از طریق شورای امنیت و چه از خارج آن علیه ایران در پیش گیرند. به دیگر سخن کلید حل مسائل و مشکلات ایران در گروی نیل به تفاهم مرضی الطرفین با غرب است. بخصوص با در نظر گرفتن این واقعیت که موضع روسیه در قبال ایران موضعی است تاکتیکی و در عین حال بهره جویی ابزاری، حال آنکه با جهان غرب و آمریکا موضعی است استراتژیکی و به همین جهت در تصمیم گیریهای نهایی با آنها همراه و هم صدا بوده است و بظن غالب در آینده نیز به همین نحو عمل خواهد کرد ضمن آنکه متقاضی تعدیلاتی خواهد بود.

به دریای سیاه در آینده نوید دهد. البته بدون آنکه ضرب الاجلی برای انجام این مقصود پیش بینی شده باشد.

۵- درباره پیشنهاد روسیه در مورد فعالیت های نظامی در دریای مازندران در قالب "فرمول توازن پایه در نیروهای کشورهای حاشیه" و ایجاد "ساختار نظامی در حد کافی و معقولانه" باید گفت نظر ایران از ابتدا ناظر به غیر نظامی کردن دریای مازندران و استفاده از آن به عنوان پل دوستی و همکاری بین دول ساحلی بوده است. ولی روسیه شدیداً معتقد به میلیتاریزه یا نظامی کردن این دریا بوده است. زیرا روسیه نیک می داند که پایگاههای موجود آن دولت در آسیای مرکزی و قفقاز مشمول ضرب الاجل زمانی ۵ یا ۱۰ ساله است و از لحاظ سیاسی در خصوص تمدید آنها تردید هایی وجود دارد. بنابراین دریای مازندران بعنوان پایگاه دریایی مطمئن، پایدار و از لحاظ سیاسی بی دردسر است و از این پایگاه روسیه قادر به کنترل آسیای مرکزی، قفقاز و حتی همسایه های جنوبی آنها می باشد. به همین جهت روسیه قسمت عمده از ناوگان دریایی خود را از دریای سیاه به این دریا منتقل نموده است. از سوی دیگر از آنجائیکه بعضی از کشورهای ساحلی چون آذربایجان متقاضی الحاق به پیمان امنیتی ناتو هستند و یا ممکن است مشارکت برخی از قدرتهای خارجی چون آمریکا را برای ایجاد و توسعه ساختار نظامی - دریایی خود طالب شوند، بنابراین روسیه برای پیش گیری از چنین احتمالات بر آن است در ترتیبات سیاسی منطقه ای مورد نظر اصولی مبتنی بر عدم حضور و مشارکت نظامی دولتهای خارجی در دریای مازندران پیش بینی شود. بعلاوه مشارکت نظامی کشورهای ساحلی باید در حد کافی و معقولانه در نظر گرفته شود، به نحوی که برتری و هژمونی روسیه در این دریا محفوظ بماند.

۶- در خصوص ماده ناظر به ایجاد بازار اقتصادی مشترک حوزه دریای مازندران، لازم به یادآوری است که چهار کشور ساحلی دریای مازندران، یعنی ترکمنستان، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ایران از قبل در سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) عضویت داشته و همراه با دیگر اعضا در طلب حصول فرآیند همکاریهای اقتصادی مورد بحث بوده اند. ولی تاکنون سازمان مزبور نتوانسته است آنچنانکه باید انتظارات اقتصادی مورد نظر را برآورده نماید. اینک سؤال اینست سازمان مزبور پیشنهاد جدید تا چه حد می تواند به این مقصود دست یابد؟ بی تردید از لحاظ اصولی ایجاد بازار مشترک دریای مازندران در خور توجه است. با ملاحظه آنکه روسیه از قبل در بهره برداری از منابع نفت و گاز سه کشور ساحلی یعنی ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان

جنگ سوم جهانی

برانگیز و شایسته بررسی و تحلیل و ریشه یابیست اگر یافتن بنیان اصلی اینگونه موضع گیریها و این نوع اظهارات مورد نظر باشد باید نگاهی به تاریخ دهه های گذشته منطقه خاورمیانه بیافکنیم و چالش های این منطقه را در ارتباط با رقابت و تضاد بین قدرت های استعماری مورد دقت قرار دهیم. در یک نگاه گذرا بطور خلاصه درمیابیم که پس از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراطوری عثمانی قدرت های اروپایی مثل انگلیس و فرانسه حداکثر نفوذ سیاسی و بهره برداری اقتصادی را در کشورهای خاورمیانه داشته اند اما روسیه پس از تثبیت شدن انقلاب اکبر و شکل گرفتن اتحاد جماهیر شوروی با توجه به ارتباط ایدئولوژیک با احزاب کمونیست کشورهای منطقه و با توجه به جاذبه ای که در آن زمان در تمام این کشورها پیدا کرده بود توانست در عرصه سیاسی منطقه تاثیر گذاری توأم با فراز و نشیبی را داشته باشد در حالیکه آمریکا قبل از جنگ جهانی دوم قدرتی سرعت در حال پیشرفت و در عین حال درون گرا بوده و بجز خرید درصد کمی از نفت برخی از کشورهای خاورمیانه در عرصه سیاسی جهان ورود چندانی نداشته است و پس از جنگ دوم هم با اینکه آمریکا بعنوان قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی در عرصه جهانی ظاهر گردید ولی قدرت های متنفذ و قدیمی تر فرصت قابل توجهی برای دخالت و تاثیر گذاری در خاورمیانه به جز مواردی صوری و در زمانی محدود به آمریکا ندادند و تنها اسرائیل بود که می توانست پایگاهی قابل محاسبه و محکم برای آمریکا تلقی گردد که البته این کشور نوظهور هم دایما در جنگ و کشمکش با همسایگان عرب و مسلمان خود بوده و هست و مسلم است که علت عدم توفیق آمریکا در برقراری صلح خاورمیانه و سازش بین اعراب و اسرائیل را علیرغم پیش از نیم قرن تلاش باید در همین رقابت ها و جنگ پنهانی بین قدرتها جستجو نمود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان دوران جنگ سرد آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت باقیمانده در جهان عزم نمود که در شرایط جدید باز هم بخت خود را برای کسب نفوذ بیشتر و پیدا کردن سهم در کنترل خاورمیانه بیازماید.

حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بهانه لازم را باری آمریکا فراهم ساخت و بدنبال آن نهاجم به رژیم طالبان در افغانستان و حمله به رژیم صدام حسین در عراق صورت پذیرفت و در کنار آن تز ایجاد خاورمیانه بزرگ مطرح گردید ولی آخرین منازعات اسرائیل با گروه های فلسطینی و حزب الله لبنان، عدم توفیق کامل

در افغانستان و عراق، مواضع و جهت سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی، مخالفت لفظی روسیه و چین نسبت به تشدید اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران و بیان حمایت آمیز رئیس جمهوری روسیه از پروژه های اتمی ایران و طبق مقررات آژانس بین المللی انرژی اتمی دانستن آنها همه و همه به آمریکا نشان داد که امیال و آرزوهای آمریکا برای منطقه خاورمیانه چندان آسان و دست یافتنی نیست و در این منطقه هنوز هم در بر همان پاشنه قدیمی می چرخد و بدنبال این ناکامیهاست که تهدید جنگ جهانی سوم به روی پرده می آید بدون شک سمت و سوی این تهدید به طرف قدرتهایست که برای حفظ منافع خود در خاورمیانه رقیب آمریکا و در مقابل آمریکا هستند و واضح است که اظهارات و مواضع ظاهری کشورها در اصل وجود این تضادها و رقابت ها نباید تردید و خللی ایجاد نماید.

تهدید جنگ سوم جهانی تهدیدی است بس خطرناک که حتی بیان آن هم برای جامعه بشری نگران کننده و وحشتناک است و پیوند دادن و مشروط کردن آن با دست یابی ایران به سلاح اتمی اهمیت استراتژیک کل خاورمیانه را برای آمریکا نمودار میسازد. در اوضاع و شرایط موجود بوضوح می توان دریافت که حفظ منافع ملی ایران و صیانت از موجودیت و کین ملی تنها در گرو خردورزی و تعقل و اتخاذ سیاست مستقل ایرانی و عدم وابستگی به تمام طرفهای درگیر در مناقشات منطقه است و بس.

گرامیداشت سالروز شهادت دکتر فاطمی در تهران

عصر روز جمعه ۸۶/۸/۸ گروه کثیری از اعضاء و کادرهای جبهه ملی ایران بمناسبت سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه حکومت ملی دکتر مصدق بر سر مزار او در این بابویه گرد آمده و مزار این شهید بزرگ جبهه ملی ایران را گلباران کردند. در این مراسم دکتر سید حسین موسویان رئیس هیئت اجراییه و مسئول تشکیلات جبهه ملی ایران طی بیاناتی، فشرده ای از زندگی نامه دکتر فاطمی را شرح داد و سپس حسین شاه حسینی عضو شورای مرکزی جبهه ملی نیز سخنانی در این زمینه ایراد نمود و در پایان مراسم سرود "ای ایران" بطور دست جمعی و در فضائی پر احساس و روحانی خوانده شد.

ما خواستار آزادی اسانلو و مددی و همه آزادیخواهان در بند هستیم

در اوایل آبانماه ۱۳۸۶ دادگاه دو تن از رهبران سندیکایی کارگران ایران را به زندان محکوم کرد. آقای اسانلو و آقای مددی که از اعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد توبوسرانی تهران هستند به بهانه اقدام علیه امنیت کشور، در حالیکه مجامع مدافع حقوق بشر به بازداشت و محاکمه آنان بشدت معترض بودند بسرعت محاکمه و به زندان محکوم شدند. آقای اسانلو به پنج سال و آقای مددی به ۲ سال زندان محکوم گردیدند. جبهه ملی ایران این اقدام را محکوم و خواستار آزادی فوری آنان و همه زندانیان آزادیخواه و دگراندیش می باشد.

دانشجویان پیشرو مبارزات آزادیخواهانه

اعتراضات دانشجویی از آغاز سال ۸۷-۸۶ هر روز از دانشگاهها بگوش میرسد و بقدرت نشستگان با بازداشت، اخراج و تعلیق دوره تحصیلی دانشجویان سعی در خاموش کردن آنان دارند. دانشجویان همیشه پیشرو مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم بوده اند و فشارهای حاکمان بر آنها نمی تواند آنها را از ادامه مبارزه بازدارد.



سپهر
تجهه ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد
دکتر مهدی آذر واصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com